

تحفه درود

رساله‌ای در ابزار خوشنویسی و
اصول و قواعد خط نستعلیق (تألیف در ۱۱۲۰ هجری)



محمد منعم صدیقی



به انضمام رساله خوشنویسی از محمد امین

تحقیق و تصحیح



دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی



تحفه درود
 رساله‌ای در ابزار خوشنویسی و
 اصول و قواعد خط نستعلیق (تالیف در ۱۱۲۰ هجری)

محمد منعم صدیقی

به انضمام رساله خوشنویسی از محمد امین



دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی

دفتر نشر بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار

کاوه حسن بیگلر

نگرس عباسپور

صدف

آزاده

فرد

۲۲۰۰ نسخه

زمستان ۱۴۰۱

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی‌عصر، بالاتر از پارک‌وی، خیابان عارف‌نسب، کوی دبیرسیاچی (لادن)، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۵۳۸۰۴

تحقیق و تصحیح

ویرایش

گرافیکست، طراح و مجری جلد

حروفچینی و صفحه‌آرایی

لیتوگرافی

چاپ متن

صحافی

تیراژ

چاپ اول

ناشر



فهرست مطالب

۱۷	دیباچه
۲۳	اختصارات
۲۵	گزارش کار رساله تحفه درود
۲۶	معرفی مؤلف
۲۷	نام اثر
۲۸	نسخه‌شناسی
۲۹	امتیازات و ویژگی‌های اثر
۳۱	ذکر و یادکرد افراد
۳۲	سبک اثر و نظم
۳۴	زبان و رسم الخط
۴۱	گزارش کار رساله خوشنویسی
۴۱	معرفی رساله و مؤلف
۴۳	نسخه‌شناسی
۴۷	[متن رساله تحفه درود از محمدمنعم]

- رمز اول در بیان نمایش وطن و اظهار سنین عمر در وقت خواندن و نوشتن و بودن در خدمت
 هادی سالکان یقین مخلومی شیخ شهاب‌الدین و... ۵۹.....
- رمز دویم در بیان خلقت قلم و رقم آن و... ۸۱.....
- رمز سیوم در بیان عیب و هنر قلم و موازنه معرفت او..... ۸۷.....
- رمز چهارم در بیان محبره یعنی دوات..... ۹۲.....
- رمز پنجم در بیان آراستن مداد که به روشنایی و تیزروی فوقیت بر مداد سواد هر مُلک و بلاد دارد..... ۹۷.....
- رمز ششم در بیان کاغذ هر ملک و بلاد و لطافت [و] کثافت او به انگیز مداد..... ۱۰۵.....
- رمز هفتم در بیان رنگ‌های کاغذ و فواید آن و آراستن کاغذِ عکسی و... ۱۱۱.....
- رمز هشتم در بیان آراستن وصلی و آهار... ۱۲۳.....
- رمز نهم در بیان مُهره که طالبان علم خط را از او تمام بهره است و... ۱۲۷.....
- رمز دهم در بیان قلم تراش که سینه‌های خوشنویسان به طلب او پاش پاش است..... ۱۳۱.....
- رمز یازدهم در بیان تراشیدن قلم و ابراز راز وی بر ضمیر خوشنویسان مُلک عرب و عجم..... ۱۳۸.....
- رمز دوازدهم در بیان مقط..... ۱۵۹.....
- رمز سیزدهم در بیان زدنِ قط..... ۱۶۳.....
- رمز چهاردهم در بیان اصول حروفِ مفردات و قواعد وزن وی... ۱۶۹.....
- رمز پانزدهم در بیان اصول حروفِ مرکبات و قواعد وزن وی... ۱۹۷.....
- [متن رساله خوشنویسی از محمد امین]..... ۲۱۳.....
- مقدمه در وصف خط..... ۲۱۴.....
- باب اول در اصول نستعلیق..... ۲۱۵.....
- باب دوم در ذکر خطاطان..... ۲۲۰.....

فهرست مطالب ۱۵

۲۳۲	باب سوم در ساختن سیاهی و غیره
۲۳۷	نمایه‌ها
۲۳۹	آیات، روایات و ترکیبات عربی
۲۴۲	کسان
۲۴۵	جای‌ها
۲۴۷	کتاب‌ها
۲۴۸	تاریخ‌ها
۲۴۹	کاغذ و کاغذسازی
۲۵۱	رنگ، رنگ‌آمیزی، مرگب و کتاب‌آرایی
۲۵۵	قلم و قلم‌تراش
۲۵۹	تصاویر
۲۷۱	کتابنامه

دیباچه

در سال ۱۳۹۲ بود که به لطف پروفیسور چارلز ملویل عازم کمبریج شدم تا از بورسی که اجازه چند ماه اقامت در آنجا را می‌داد، بهره‌مند شوم. در آن روزها به بازیابی وبسایت شاهنامه مشغول بودم و کلاس‌هایی برای خواندن اسناد با دانشجویان دکتری داشتم. گه‌گاه هم برایم سخنرانی و کارگاه‌هایی را تدارک می‌دیدند. از مشغولیت‌هایم، بررسی نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه کمبریج و همچنین کتابخانه‌های بریتانیا و بادلیان در لندن و آکسفورد بود.

خوشبختانه کتابخانه‌های دانشگاه کمبریج و بادلیان اجازه عکاسی بدون فلاش از نسخه‌ها را می‌دادند و از این رو سرعت مطالعاتم بیشتر می‌شد اما در کتابخانه بریتانیا اجازه عکاسی نمی‌دادند و ناچار بودم تا تمام نکات، توصیفات و تحلیل‌هایم را همان هنگام یادداشت کنم تا بعدها به فراموشی سپرده نشود.

از جمله بخت‌یاری‌هایم این بود که در میان نسخه‌های کتابخانه دانشگاه کمبریج به دست‌نویسی از رساله تحفه درود برخورد کردم و دریافتم که بسیار ارزشمند است و تاکنون کسی از آن خبر نداشته و مطلبی درباره‌اش منتشر نشده است. با

توجه به شواهد و قراین، این نسخه از روی نسخه مؤلف در ۱۱۲۶ هجری و در زمان حیات او استتساخ شده و به گمان بسیار به نظر مؤلف هم رسیده است. ضمناً خط نسخه نستعلیق خوش عالی و تقریباً خواناست و متن هیچ‌گونه افتادگی ندارد و توضیحات بسیاری هم در بالای کلمات و حواشی صفحات وجود دارد که باید از مؤلف باشد. با آن‌که برخی قسمت‌های این توضیحات، ناخوانا و یا نامفهوم است، اما کوشیده‌ام تا از محتوای آن توضیحات هم در پی نوشت‌ها بهره کافی گرفته شود.

محمدمنعم خوشنویسی گمنام از مسلمانان شبه‌قاره و ساکن منطقه آرول است و در ۱۱۱۵ هجری دست به تألیف این اثر زده و در تاریخ رمضان ۱۱۲۰ آن را به پایان برده است. محمدمنعم صدیقی فرزند شیخ عبدالحی ابن شیخ شهاب‌الدین آرولی بهاری در صفر سال ۱۰۵۵ دیده به جهان گشوده و از پنج سالگی عازم مکتب شده و تحصیلات خود را در ۱۰۷۳ به پایان برده است. او در خوشنویسی شاگرد میان شیخ عبدالکریم و حاجی جمال‌الدین بوده و گویا تا زمان استتساخ این نسخه در ۱۱۲۶ هجری در قید حیات بوده است. وی شاعر نیز بوده و بالغ بر ۴۶۰ بیت شعر با تخلص «منعم» در این کتاب دارد.

با اینکه خوشبختانه از خودش اطلاعات بسیاری به دست داده است، اما شوربختانه در منابع هند و ایرانی نام و نشانی از وی دیده نمی‌شود و از این نکته، می‌توان پی برد که شماری از هنرمندان و ادیبان و فارسی‌دانان شبه‌قاره هند، همچنان گمنام و ناشناخته هستند.

در نسخه‌هایی از این دست، با افتادن صفحات نخست و انجامه، غالباً کار شناسایی متن و انتسابش به مؤلفی خاص، دشوار می‌شود. به نظر می‌رسد که

محمدمنعم از این نکته آگاه بوده و از این رو در هفت جا صریحاً به نام خود و در ده جا به نام رساله که تحفه درود است، اشاره کرده است.

او این رساله را به نثر مسجع و آهنگین نوشته و در میان مطالب، سروده‌هایی از خویش را هم افزوده است. سبک سخنوری و اطلاعات ارزشمند هنری رساله نشان می‌دهد که او در آموختن زبان فارسی و عربی و لطایف خوشنویسی و آشنایی با هنرمندان ایرانی زحمت و مرارت بسیار کشیده است. با آن‌که این رساله را کاتبی هندی به زبان غیرمادری تألیف کرده، اما از نظر محتوا بر رساله‌هایی چون فواید الخطوط از درویش محمد بخاری که رونویسی و ترکیب چند رساله دیگر است، برتری دارد و همچون رساله سلطان‌علی مشهدی و باباشاه اصفهانی دارای اطلاعات تازه و دست اول است.

این رساله، مفصل‌ترین متنی است که تاکنون یک خوشنویس هندی درباره خوشنویسی و اصولش تألیف کرده و به تفصیل از ابزار و ادوات کتابت و اصول و قواعد مفردات و مرکبات خط نستعلیق سخن رانده است. از این رو منبعی منحصر بفرد برای مطالعه چگونگی شکل‌گیری نستعلیق هندی به شمار می‌رود.

از جمله راه‌های جست‌وجوی داد و ستدهای هنری و میزان تأثیر و تأثر هنرمندان ایرانی و هندوستانی، بررسی و مطالعه تذکرها و رساله‌های فارسی است که در هند تدوین و تألیف شده است. این متون آن‌گونه که باید مورد بررسی دقیق و انتقادی قرار نگرفته و یکی از علت‌هایش نیز ناآشنایی پژوهشگران ایرانی با آنهاست. از سویی دیگر بیشتر این متون در دهه‌های اخیر، معرفی و منتشر شده است. متون ارزشمندی که هنرمندان هندی نگاشته‌اند، و می‌تواند در تدوین تاریخ هنر ایران بسیار سودمند و راهگشا باشد.

مشغله‌های بسیار سبب شد تا عکس و یادداشت‌هایم را تا بهار ۱۴۰۰ کنار گذاشته بودم و در ماه‌های اخیر بر آن شدم که نباید بیش از این، علاقه‌مندان را از مطالعه چنین رساله‌ای محروم گذاشت و از این رو متن را بازبینی کرده و اغلاط را از میان برداشته و متنی نزدیک به نوشته مؤلف را همراه با توضیحات و تصاویر برای مخاطبان کتاب، آماده کردم. افزودن معانی واژه‌ها و اصطلاحات و نمایه‌های گوناگون هم سبب بهره‌مندی بیشتر خوانندگان خواهد بود. در پایان کتاب، مفرداتی به خط نستعلیق (منسوب به میرعماد) را افزوده‌ام تا امکان مقایسه با مفرداتی که محمدمنعم آورده است، فراهم شود. این مفردات از مرّعی به شماره ۱۴۹۰ در کتابخانه کاخ گلستان محفوظ است و به لطف هنرمند گرامی، آقای محمدرضا عموزاد آماده‌سازی شده است.

به پیوست این کتاب، رساله خوشنویسی محمدامین را هم افزوده‌ام که در سال ۱۱۳۹ هجری تألیف شده است. این رساله مختصر را در سال ۱۳۹۱ در کتاب نذر عارف منتشر کرده بودم؛ اما در اینجا بازبینی و اصلاح شده است. هر دو رساله در نیمه نخست سده دوازدهم تألیف شده است. یکی در شرق هندوستان و به دست هنرمندی حرفه‌ای و دیگری با صدها کیلومتر فاصله در مرکز هند و توسط خوشنویسی غیرحرفه‌ای. مطالعه و مقایسه این دو رساله نشان‌دهنده رواج و مقبولیت خوشنویسی ایرانی در هندوستان سده دوازدهم است.

معرفی پیشینه و چگونگی تألیف و تدوین تذکره‌ها و رساله‌های هنری فارسی به قلم استادان شبه‌قاره، خود مثنوی هفتاد من کاغذ است که برای تأکید بر اهمیت آن به نمونه‌هایی چند که تاکنون منتشر شده، اشاره می‌کنم: کنز الاکتساب (در فن مَهر کَنی و هنرهای وابسته) از رحمتی بن عطاءالله، احوال خطاطان ار

بختاورخان، رساله طیاری جلد از سید یوسف حسین، تذکره خوشنویسان از غلام محمد هفت قلمی دهلوی، تذکره حیات خوشنویسان از محمد حسین علوی شیرین رقم و رساله الوان الصّور از مرحمت علی حیدری؛ و همین جا تأکید می‌کنم که پس از زبان و شعر فارسی، خط و خوشنویسی بزرگترین میراث مشترک ایران و هند بوده است و حتی اگر زبان فارسی اندک‌اندک در دو سده اخیر در شبه‌قاره به فراموشی سپرده شده، اما خط نستعلیق برای نگارش زبان اردو در این گستره وسیع باقی مانده است.

خوشحالم که توفیق داشتم تا چند سالی را در هندوستان زندگی کنم و هر روزم را در جست‌وجو و مطالعه تأثیر و تأثرهای این دو تمدن بگذرانم و امیدوارم این کتاب، سبب شناسایی بیش از پیش ارتباط گسترده فرهنگ، ادب و هنر این دو کشور گردد و زمینه‌ساز پژوهش‌های کلان در داد و ستدهای ادبی و هنری این دو همسایه دیرین شود.

دیگر نکات در «گزارش کار» ذکر شده و در اینجا لازم است از دوستانی که در خواندن برخی از واژه‌ها و اصطلاحات هندی و یافتن معانی آنها یاری‌ام کرده‌اند، سپاسگزاری کنم: دکتر هومن یوسفدهی، دکتر سید منتظرعلی، دکتر محسن ذاکرالحسینی، دکتر ضیاءالرحمن، پروفیسور چندرشیکهر و پروفیسور معین نظامی. همچنین آقای دکتر محمد افشین‌وفایی که با گشاده‌روی از نشر این اثر در سلسله انتشارات بنیاد موقوفات افشار استقبال کردند.

حمیدرضا قلیچ‌خانی

پاییز ۱۴۰۰، تهران